

پیدا نموده بود. ولی همه این حرکات با زور لشکریان خلیفه اسکات و محرکین قلع و قمع می‌شدند. با اینهمه فشار ظاهری پیش راه جوش و خروش دزونی را نمی‌گرفت و همواره علائم عصیان دیده می‌شد.

اصطخری گوید خرمی‌ها در کوه‌های صعب‌العبور سکنا کرده در هر فرصت شورش می‌کردند، در مساجد قرآن خوانده و در باطن دین نداشتند و مقدسی (مقدیسی) آنها را مرجیه نام می‌دهد. این حرکات از سبب‌های بزرگ خرابی و پراکندگی و پریشانی آذربایجان و قلت و ضعف نفوس آنها گردید. چنانکه یاقوت که شخصاً این اوضاع را مشاهده نموده است، شرح می‌دهد. (معجم البلدان جلد ۱ صفحه ۱۷۲).

معارف ایران

۱- هنوز در ایران معلم قابل نداریم

اگر درست بطرز تدریس معلمین ایرانی دقت کنیم می‌بینیم که باطرز تدریس آخوندهای قدیم مکتب‌خانه چندان تفاوت ندارد. مثلاً در مکتب‌خانه جناب شیخ همینکه روی توشکچه می‌نشست و منقل آتش و کاسه تنباکو و قلیان بی‌پیر را جلوش می‌گذاشت دیگر تا ظهر مگر بحکم ضرورت، از جای خود بلند نمی‌شد و اطفال هم در پائین اطاق چون معلم را سرگرم قلیان چاق کردن میدیدند و بی‌آزادی و غفلتش را مشاهده مینمودند یکباره ترك علم میکردند و خرسک بازی می‌نمودند و لوح‌دست

بر سر یکدیگر میشکستند و گاهی هم وقت را بطاق و جفت کردن میگذرانیدند.

در مدارس جدید (غیر از دو سه مدرسه عالی) نیز معلم روی صندلی کوتاهی جلوس مینماید و از ابتدای زنگ تا انتهای وقت بدون داشتن اسباب دلخوشی مانند قلیان یا چیق ابدأ حرکتی بخود نمیدهد (مگر آنکه بخواهد سینه را صاف کند و اخلاط را خارج سازد آنوقت يك پا را روی صندلی و دیگری را روی کف اطاق گذارده نیم خیز می‌شود و اخلاط و بلغم را چون گلوله از دهانه تنگ بیرون پنجره پرتاب میکند و در ضمن قطراتی چند از آن آب دهن را بر سر و صورت اطفال که نزدیک او هستند مپاشد و بعد بحالت اولیه بر میگردد!!!) و اگر خوشبختانه تا ظهر در همان اطاق درس بدهد که نور علی نور می‌شود و دیگر زحمت برخاستن و نشستن یا از این اطاق به اطاق دیگر رفتن را هم ندارد.

آری، این معلم بیچاره نمیداند و کسی هم باو نگفته و در کتابی هم نخوانده که اگر ایستاده درس گوید بطوری که همه شاگردان مشرف و مسلط باشد و جملگی صدای او را بشنوند حرکات و سکناش را ملاحظه نمایند استفاده اطفال بیشتر و افاده او نیز زیادتیر خواهد بود با چندین مزیت دیگر. بلکه هنوز گمان میکند که ایستاده درس دادن از هیبت و وقرش میکاهد و در نظر اطفال شکوه و جلالش از میان میرود.

باری میخواستم عرض کنم که مکب خانهای قدیم حتی از يك حیث بر مدارس کنونی برتری داشت بدان معنی که روزهای پنجشنبه باید درس را که شاگرد در عرض هفته خوانده بمعلم «وادهد» یا ببارت حالیه «پس دهد» و شاگرد مجبور بود که

برود از دروس گذشته خود دوره مفصلی کند تا گرفتار چوب و فلک شیخ نشود. ولی در مدارس جدیده معلم چون شروع به تدریس کتابی کند دیگر اسم از دوره نمیرد همینطور درس میدهد تا کتاب تمام می‌شود یا سال مدرسه با آنها می‌آید یا اگر خدا نکرده کتاب نباشد و جزوه نویسی باشد شاگرد از ابتدای سال تا یکماه با آخر سال مشغول نوشتن دفتر می‌شود و در اثناء آنکه کتب زیادی را جمع بموضوع درس خود بدست پی‌آورد و مطالعه کند و بر اطلاعات خود بیفزاید و بخواندن کتاب کلاس قناعت نکند عقاید مؤلفین مختلفه و نویسندگان گوناگون را ملاحظه نماید و بالاخره در اثناء آنکه کتاب را با تتبع و موشکافی بخواند همین‌طور سرسرکی دفتر را می‌نویسد و طوطی‌وار چیزی یاد می‌گیرد و خود را برای امتحان حاضر می‌سازد. و همینکه نمره قابل ارتقاء گرفت خدا را شکر میکند و خود را خیلی خوشبخت می‌شمارد و بقول معروف گمان میکند که قلعه خیبر را فتح کرده است و از تردستی و زرنگی و حقه بازی خود در موقع امتحان برای همشاگردان تعریف میکند. معلم هم در ضمن افتخار میکند که عده‌ای از شاگردانش امتحان دادند و نمره قابل ارتقاء گرفتند. در حقیقت شاگرد خود را گول می‌زند و معلم خود و جمع دیگر را. هنوز کسی پیدا نشده که بگوید آقای معلم، شما که میدانید طریقه تربیت آمریکائی خوب است چرا بکار نمیرید؟ و اگر نمیدانید چرا سؤال نمی‌کنید؟ و اگر کسی نیست که راهنمایی کند چرا با معلمین و همکاران متحداً همان قسمیکه برای حقوق عقب افتاده شکایت و آه و ناله می‌کنید، در این راه نیز بذل مساعی نمی‌نمائید؟ برای نیل بمقصود از هیچگونه فداکاری دریغ نمائید بنویسید و بگوئید همین‌طور که برای پست و تلگراف

میخواهید مستشار بیاورید برای معارف نیز فکری کنید و چند نفر مستشار قابل استخدام نمایید.

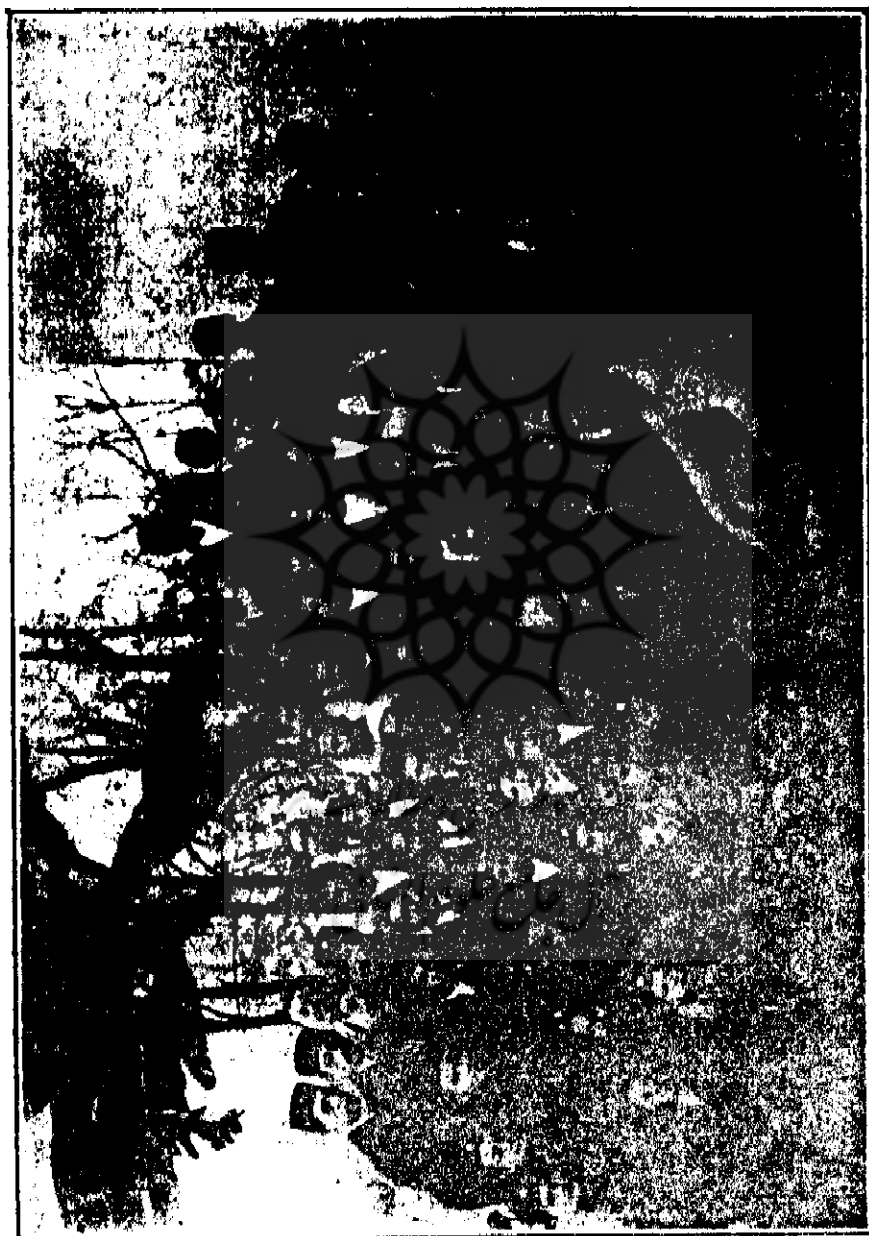
هر مدرسه‌ای در ایران نواقص و معایب بسیار دارد. مثلاً مدارس که در تحت نظر معارف اداره می‌شود از حیث تدریس و تعلیم و سنگینی مواد تدریسیه خراب است و وقت محصلان بکلی ضایع می‌شود و دماغشان خسته، کله هم پیوسته اما نتیجه تقریباً هیچ، زیرا نه معلم طریق تعلیم را میدانند و نه شاگرد راه تعلم و نه رئیس ترتیب تعیین پروگرام. فقط یکی دو مدرسه خارجه داریم که آنها بالنسبه معلم صحیح تربیت می‌نمایند اما چه فایده که اغلب سواد حسابی ندارند و طوری تحصیل نکرده‌اند که بدرد ایران بخورند و گاهی بقدر تحصیلاتشان سطحی می‌شود که در تکلم بزبان مادری خود و امیامتد تا چه رسد بعلوم عالیّه. در خاتمه ما توجه وزیر محترم معارف وقت را بدین مسائل جلب میکنیم و امیدواریم که برای اصلاح پروگرام و تربیت معلمین حاذق زبردست با سواد دامن همت برکمر زده نژاد آئیة ایران را رهین منت خود سازند و نام نیک خود را در صفحات تاریخ اصلاح معارف مثبت و مخلص دارند.

طهران — ۱۴ آگست — علیمحمد عامری

۲- تأثیر اراده در تربیت اخلاق

در جریده ستاره ایران منطبعه طهران دو سه مقاله بعنوان «بر فراز نوچال — يك درس تصمیم» به قلم آقای عمیدی خواننده شد که درین مقاله سیاحت خودشان را با چند نفر رفیق بقله کوه دماوند شرح میدهند که چگونه با وجود سختی راه

و خستگی زیاد و منصرف شدن بعضی از رفقا و برگشتن ایشان و نداشتن خوراکی و غله گرسنگی باز از عزم خود برنگشته



گردش اجتماعی (پیکنیک) محصلین مدرسه متوسطه رشت، با اتفاق مدیر و معلمین.

و بمقصد رسیده‌اند و در آن حال بی‌تابی برای استراحت دراز کشیده و بخواب رفته‌اند و همینکه بیدار شده‌اند دیده‌اند که

چند نفر اعضای میسیون خیریه آمریکائی بطرف آنها می‌آیند و مقداری خوراک که بقدر مائده آسمانی لذت بخشیده برای آنها آورده‌اند! وجود اینگونه جوانان باعزم و متین در میان افراد ایرانی موجب افتخار و امیدواری است و اگر این مسئله یعنی رفتن بالای کوه دماوند در نظر کوتاه بینان جلوهای نداشته باشد و فایده را نشان ندهد در نظر ما که اینگونه اقدامات را از قطعه تربیت اجتماعی تلقی می‌کنیم خیلی قیمت و اهمیت دارد! زیرا برای کندن ریشه فساد اخلاق و تزریق روح متانت و ثبات در جلو مهالك حیات، این قبیل جوانان آهنین عزم و این نوع اراده‌های الماسین بسیار لازم داریم!

چنانکه از تصویری که در اینجا چاپ می‌کنیم و آنرا پارسال آقای میرزا تقی خان طایر رئیس معارف گیلان فرستاده‌اند دیده می‌شود، مخصوصاً مدارس آمریکائی و جوانان فارغ‌التحصیل آن مدارس بدین قبیل اقدامات بیشتر اهمیت می‌دهند و ذوق دارند و این هم مزیت اصول تعلیم و تربیت آمریکائی را بخوبی می‌رساند! در اینجا باید بگوئیم که این عزم و اراده در برداشتن سد موانع مادی و جسمانی هر قدر لازم باشد در برانداختن بنیاد فساد اخلاق هزار مرتبه بیشتر لازم است. آن قوه اراده که در رفتن بالای کوه، از خستگی نمی‌ترسد و هر گونه خطر جانی را در نظر می‌گیرد و از نصف راه برگشتن را تنگ می‌شمارد بسیار مقدس است ولی هزار بار مقدس‌تر است آن قوه اراده که طلسم‌های اخلاق رذیله را می‌شکند و قلمه‌های هوسات قسانی را تسخیر می‌کند! چقدر مقدس است آن قوه اراده که صدای درونی ما را می‌شنود و اوامر و نواهی وجدان ما را که يك عالم ملکوت است، بدون تردید و درنگ بموقع اجرا می‌گذارد!



يك عده از محصلين تاريخ التحصيل مدرسة آمريكائى طهران كه با دو نفر
از معلمين آمريكائى و يك نفر ارمنى در ماه اسد ١٣٠٢
بقلعه كوه دماوند بالا رفته‌اند .

بلی، قوه عقل و اراده خالق دنیا و ما فیها است! عقل و اراده دو فرشته آسمانی هستند که برای رهنمائی بشر بدنای ما فرود آمده و در ارواح ما جا گزیده اند! اما افراد بشر با پرده های وساوس نفسانی و شهوات حیوانی رخسار آنها را پوشانده و آنان را از تجلی باز داشته اند. باید این پرده ها را دید و این ابرها را شکافت تا آن مخدرات ملکوتی دیدگان باطنی ما را منور سازند و با انوار جمال خود ما را بساحل دیگر حیات، یعنی بساحل بقا و ابدیت برسانند! سعادت حقیقی و حیات جاودانی در معرفت و استناره ازین دو نور تجلی سبحانی است! این دو قوه خالقه ماتد جریانهای مثبت و منفی الکترونیک لازم و ملزوم یکدیگرند ولی هر دو مثبت اند و هیچ یک بی دیگری نور حقیقی خود را جلوه نمی دهد. عقل بی اراده و اراده بی فکر منشأ اثر نمی گردد و بلکه مایه دردسر و ضرر می شود! شما فرزندان خودتان را فقط عقل سلیم و اراده قوی یاد دهید و آنها را از جام هستی بخش این دو کوثر لاهوتی سیراب کنید، آنوقت آنها خود راه سعادت را پیدا میکنند و جهان آفاق و انفس را تسخیر مینمایند!

ح. ک. ایران شهر

شعبه ایران شهر

اداره ایران شهر يك نفر شخص فعال و دستکار که ذوق خدمت بمعارف داشته باشد برای تأسیس شعبه ایران شهر در طهران لازم دارد که تمام امور وکالت و فروش مجله و انتشارات و کتب ایران شهر را بعهده گیرد. هر کس طالب این خدمت میباشد لازم است هر چه زودتر شرح مختصر زندگانی خود را با چند تصدیقنامه و ضمانت نامه از اشخاص معروف برای معرفی خود بفرستد و نظریات و شرایط خود را هم پیشنهاد کند.